

نقشه آمریکا برای لبنان

المهندس مجدی علی

نظر از سیاسی



پس از گذشت دو سال از عملیات طوفان الاقصی (در ۷ اکتبر ۲۰۲۳) و در پی آن، آغاز جنگ پشتیبانی از لبنان (در ۸ اکتبر همان ماه) این تحولات تا زمان آتش‌بس در لبنان (۲۴/۱۱/۲۰۲۴) و سپس آتش‌بس در غزه (۲۵/۱۰/۲۰۲۴) با پیگیری قحطی آمریکا ادامه یافت. بررسی تحرکات فرستادگان آمریکایی به لبنان و فلسطین (چه استیو ویتکاف، چه تام باراک و چه مورگان اورتگاس) و به‌ویژه تحرکات باراک، اظهارات زنده و خام او که تقریباً فاقد دقت سیاسی است و لبنان را به شکلی آشکار تهدید می‌کند، همگی حاکی از یک واقعیت است که دو راه پیش روی لبنان می‌گذارد؛ حرکت در مسیر خلع سلاح، رسیدن به مذاکره غیرمستقیم و سپس مستقیم با رژیم یهود در راستای خط عادی‌سازی یا تسلیم و گسترش حملات رژیم یهود به لبنان.

این همان چیزی است که امروز در حال وقوع است، به‌ویژه پس از حمله به اردوگاه عین‌الطوه که در آن سیزده جوان کشته و ده‌ها تن زخمی شدند و سپس حمله به ضاحیه جنوبی که در آن رئیس ستاد «حزب ایران» در لبنان، هم‌چنین رهبر طباطبایی و همراهانش کشته شدند. همچنین اعلام یهود مبنی بر اینکه انجام حمله به بیروت را به آمریکا اطلاع داده‌اند تا از آن کسب اجازه کنند؛ چرا که آمریکا از زمان آتش‌پس، حملات به پایتخت (بیروت) را ممنوع کرده بود؛ چه آمریکا قبل از وقوع حمله مطلع شده باشد و چه هم‌زمان با آن، هدف بزرگ شکستی میان یهود و آمریکا به پایتخت وجود دارد و نتیجه یکی است، وجود طرح یا نقشه‌ای که آمریکا طبق آن پیش می‌رود و تمام طرف‌ها را ملزم به جهت‌گیری‌های سیاسی خود می‌کند. از جمله اسرار آشکار آن بر عدم بازگشایی مجدد جنگ غزه و صدور قطعنامه ۲۸۰۳ شورای امنیت برای تشکیل کمیومیت و استعمار بر آن تحت عناوین «شورای صلح»، «اداره حکومت انتقالی» و «شیروی ثبات‌ساز موقت بین‌المللی».

همچنین مشاهده شد که «حزب ایران» در بیانیه تسلیت کشته‌شدگان خود در حمله ضاحیه، به استفاده از عنوانی جدید روی آورده است: «فدایی راه لبنان و مردم آن»، یکبار عنوانی که سابقاً برای تمام کشته‌شدگانش استفاده می‌کرد یعنی «در راه قدس»؛ این موضوع ممکن است نشان‌دهنده درک حزب از این مرحله باشد - پس از آنکه ایران او را تنها گذاشت - که مرحله، مرحله عادی‌سازی و تسلیم است و با وجود حجم گسترش و جراحات در رده‌های بالای فرماندهی‌اش پس از آتش‌بس (که به بیش از هزار کشته و زخمی رسیده)، مدیریت امور بر دولت لبنان واگذار کرده است. معلوم است که «حزب ایران» موافقت کرده که شخصیت‌های غیرنظامی در هیئت‌های مذاکره‌کننده یهود شرکت کنند، مشروط بر اینکه مذاکرات فعلی غیرمستقیم باقی بماند. شاید این امر نشان‌دهنده تلاش برای رام کردن فضای داخلی خود در منطقه و مشخصاً است که دولت لبنان به درخواست آمریکا تمایلی به حرکت به سمت درگیری نظامی با هیچ طرفی در داخل لبنان ندارد، درحالی‌که فشارهای نظامی یهود و فشارهای سیاسی آمریکا ادامه دارد و بازوی اجرایی دولت لبنان در داخل بلندتر شده است که شاید بارزترین نمونه آن پایان‌دادن به پرونده «نوح زعیت» باشد. پیچیده‌ترین پرونده امنیتی که رژیم فراری سوریه و «حزب ایران» بر آن سرپوش می‌گذرانند. نشاندهنده نقشه آمریکا تنها با عملیات طوفان الاقصی و پیامدهای آن آغاز نشد، بلکه آمریکا از سال ۲۰۱۹ در حال ساخت بزرگ‌ترین سفارت خود در منطقه و مشخصاً در لبنان، با امکانات نظامی و لجستیکی غنیم بود؛ آن هم علی‌رغم آشکارشدن فرسودگی لبنان با نظام و حاکمیتش در این مرحله و در درین انتظاری که در اکتبر ۲۰۱۹ در میدان‌ها آغاز شد و تا بحران کرونا ادامه یافت. اما برعکس، به نظر می‌رسد آمریکا آن را سکوی می‌دید که از طریق آن بر مدیریت سیاسی لبنان و منطقه و بر مدیریت ثروت‌ها در شرق مدیترانه - که مهم‌ترین آن‌ها گاز طبیعی موجود به مقدار زیاد در منطقه است - نظارت کند!

نیجریه و خطر تجزیه!

استاد نیل عبدالکریم

نیجریه بزرگ‌ترین کشور آفریقا از نظر جمعیت است؛ به‌طوری‌که جمعیت آن تقریباً ۲۲۰ میلیون نفر برآورد می‌شود و نقشی مرکزی در غرب آفریقا ایفا می‌کند؛ بنابراین هرگونه تغییری در آن بر کل منطقه تأثیر می‌گذارد. در این کشور بیش از ۲۵۰ گروه قومی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها «هوسا» و «فولانی» در شمال هستند که مسلمان‌اند، «یوروبا» در غرب که ترکیبی از مسلمانان و مسیحیان هستند و «ایگو» در شرق که اغلب آن‌ها مسیحی‌اند؛ از این رو نیجریه مستعد تنش‌های دینی و قومی-سیاسی است. اگر کمی به عقب برگردیم تا واقعیت این کشور را درک کنیم، در دوران استعمار بریتانیا (۱۹۱۴-۱۹۶۰)، بریتانیا سه منطقه‌ای را که از نظر اداری مستقل بودند (شمال، غرب و شرق) در یک مستعمره ادغام کرد و «تحت‌الحمایه نیجریه» شکل گرفت. در طول جنگ‌های جهانی اول و دوم، بسیاری از نیجریه‌ای‌ها به‌عنوان جنگجو تحت فرمان حکومت بریتانیا کشته شدند. در مرحله انتقال از استعمار مستقیم به غیرمستقیم، برخی جنبش‌های آموزشی-سیاسی برای همگامی با این مرحله پدید آمدند که در رأس آن‌ها «تامی آرکیبوه» (که پدرش کاتب اداره بریتانیا بود) و همچنین «ابوآمی اوووه» و «احمد بلوه» قرار داشتند. آن‌ها تبدیل



به دولت‌مردان دوران استقلالی شدند که نیجریه به‌عنوان یک کشور واحد - به‌صورت شکلی و صوری - به دست آورد؛ زیرا بریتانیا همیشه در هر مستعمره‌ای که ترک می‌کند، مزدورانی برای برپایی فتنه باقی می‌گذارد تا هر زمان که بخواهد آن را شعله‌ور کند؛ لذا نیجریه عملاً از نظر قومی و دینی تقسیم‌شده بود.

استقلال منجر به ایجاد «پادشاهی نیجریه» تحت تاج‌وتخت بریتانیا و سپس «جمهوری نیجریه» در سال ۱۹۶۳ به ریاست «تامی» شد و نظام آن فدرال بود. سپس در سال ۱۹۶۶ کودتایی نظامی رخ داد که دولت غیرنظامی را سرنگون کرد و به دنبال آن کودتای متقابل افسران شمالی در سال ۱۹۶۷ به وقوع پیوست. در آن زمان ژنرال ایگو تیار، «اودموگو اووگوگو»، جدایی اقلیم شرقی را تحت نام «جمهوری بیافرا» اعلام کرد و در پی آن جنگ داخلی از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ شعله‌ور شد و یک میلیون نفر قربانی گرفت؛ جنگی که در آن دولت مرکزی پیروز شد و کشور بیکارچه گردید. پس از آن از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ دوران کودتاهای نظامی بود و در نهایت حکومت به دولت غیرنظامی سپرده شد. با بازگشت حکومت غیرنظامی از سال ۱۹۹۹ تاکنون، «یولا تیئوبو» در سال ۲۰۲۳ به قدرت رسید و رئیس‌جمهور کنونی است، اما دولت او هر روز از بحران‌های بزرگی رنج می‌برد، از جمله: امنیتی؛ با وجود گروه «بوکو حرام» در شمال شرق نیجریه و داعش در غرب آفریقا؛ متأسفانه مرکز کشور نیز از درگیری‌ها میان دامداران فولانی و کشاورزان رنج می‌برد و غرب کشور بران جنبش، آدم‌ربایی و سرقت‌های مسلحانه است. - از نظر اقتصادی؛ با وجود ثروت نیجریه و به‌ویژه نفت، فساد دولتی کشور را به‌سوی توری بزرگ سوق داده است؛ به‌طوری‌که «تیارا»، واحد پول کشور، از سال ۲۰۲۳ به نیمی از ارزش خود را از دست داده است. این امر دولت را مجبور کرد برای پوشش کسری بودجه سال ۲۰۲۵ به قرض گرفتن داخلی اضافی به مبلغ ۱۰۱۵ تریلیون نایرا، معادل ۷۸۴ میلیون دلار، روی آورد. با این وجود، افزایش قیمت‌ها ادامه یافت، هزینه‌های زندگی بالا رفت، کارایی برخی خدمات کاهش یافت و برخی زیرساخت‌ها فرو ریخت

دین ابراهیمی و باز تولید استعمار

خطر آنچه «دین ابراهیمی» نامیده می‌شود تنها در این نیست که یک گفتمان سیاسی پوشیده بر دین است، بلکه در قدرت آن بر بازتولید استعمار با زبانی معنوی و نرم نهفته است که امت را به نام تساهل و گشایش، از ابزارهای رد و مقاومت خلع سلاح می‌کند. این طرح تنها به جعل مفاهیم اکتفا نمی‌کند، بلکه آگاهی را بحدیچ بازسازی می‌کند تا عادی‌سازی روابط را یک تقدیر، امتیازدادن را یک فضیلت و شالاکگر را شریکی در قداست جلوه دهد؛ بدین ترتیب درگیری از یک نبرد وجودی به اختلاف دیدگاه و از مسئله یک امت به گفتگوی ادیان تبدیل می‌شود. این خطرناک‌ترین چیزی است که ملت‌ها می‌توانند با آن مواجه شوند، آنگاه که معیار حق از آن‌ها گرفته شد و منطق «توافق بین‌المللی» تحت شعار ملی‌گرایان به پیش می‌رود. این امر، جنگ دین و هویت است، اما آن‌ها غافل شدند یا خود را به غفلت زدند که دین ما کتابی دارد که تعریف نمی‌شود، پیامبر ندارد که فراموش نمی‌شود و امتی دارد که جز در برابر الله سبحانه‌وتعالی سر خم نکرده است. هرچند بخاطر طوفان‌ها خم شود، اما نمی‌برد و مو نمی‌کند. بلکه امتی است که دارای پروژه‌های اسلامی که ذوب نمی‌شود، کوتاه نمی‌آید و حق را با توهم معامله نمی‌کند، زیرا از جانب الله سبحانه‌وتعالی است و هنگامی که این پروژه بازگردد، با زبانی «پدرش جهانی» به «تساهل ساختگی» باز می‌گردد، بلکه با ترازوی عدالت، مصادی حق و پرچم «لا اله الا الله محمد رسول الله» باز می‌گردد. پس هر چه می‌خواهند نقش بکشند که مکرشان رو به زوال است و وعده الله سبحانه‌وتعالی حق است: «وكان حقاً علياً نمر» انؤمنوا». و «نصرت مؤمنان مواراه حقی است بر عهده ما».

آگاهی سیاسی و تأثیر آن بر دگرگونی استاد احمد القمصی

هنگامی که از «آگاهی سیاسی» سخن می‌گوییم، پیش از هر چیز و تعامل با پادشاهان و دولت‌ها از زاویه عقیده اسلامی و رسالت از آگاهی نسبت به خود اسلام سخن می‌گوییم؛ زیرا اسلام در جهانی اسلام بودند؛ و همین امر سبب شد که دولت اسلامی ذات خود امری سیاسی است. اسلام نظامی برای زندگی، جامعه و دولت دارد و الله سبحانه‌وتعالی فرمان داده است که امور مردم از طریق دولتی که بر پایه اسلام برپا شود اداره گردد. پس اسلام ذاتاً فکری سیاسی است. به محض آنکه امت، اسلام را بپذیرد، نظامی برای زندگی، جامعه و دولت درک کند. این نقطه آغاز آگاهی سیاسی است.

یکی از نشانه‌های ضعف آگاهی سیاسی در میان مسلمانان امروز این است که فکر نمی‌کنند اگر شخصی مسلمان که نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد و قرآن تلاوت می‌کند و شعرهای اسلامی بر زبان می‌آورد و در سخنرانی‌هایش چند آیه می‌گنجاند به قدرت برسد، همین کافی است تا دولت او اسلامی باشد و توجه نمی‌کنند به مهم‌ترین موضوع، یعنی هویت دولت که اسلام اسلامی یعنی آن است؛ عقیده اسلامی، و نیز نظام‌ها و قوانین لازم برای اداره جامعه که همان احکام شریعت هستند. پس میبایست که آماده هستند تنها به دلیل ظاهر متدین حاکم، به او اعلام وفاداری نمایند؛ درحالی‌که او با غیر آنچه الله سبحانه‌وتعالی نازل کرده حکم‌فرمایی می‌کند. وقتی مسلمانان سیاست، رجال سیاسی، دولت‌ها و حکومت‌ها را فقط از زاویه اینکه «چه کسی حکومت می‌کند؟ مسلمان است؟ علوی است؟ دروزی است؟ نماز می‌خواند یا برپیدین نیست؟ پرسید؟ آیا یعنی کسی همان هنوز راهی دراز تا رسیدن به آگاهی سیاسی در پیش دارد.

آگاهی سیاسی زمانی حاصل می‌شود که مسلمانان به جهان از زاویه عقیده اسلامی خویش بنگرند؛ یعنی از زاویه هویت سیاسی‌ای که پیشان بر آن‌ها واجب می‌کند. این نگاه یعنی اندیشیدن به اینکه عقیده اسلامی بر زندگی آنان سیطره یابد؛ اینکه امت بتواند سیدت و سروری شریعت اسلام را بر زمین بازگرداند و تمام قدرت را دوباره در سرزمین‌های خود به دست گیرد؛ اینکه عجمت اسلامی را به جهان حمل کند؛ یا جریان‌های دشمن اسلام مقابله کند؛ و با طرح‌های استعماری سلطه بر امت و سرزمین‌های مسلمانان و دیگر ملت‌ها مبارزه کند. هرگاه این نگاه در میان مسلمانان غالب شود، می‌توان گفت امت به سطحی از آگاهی سیاسی رسیده است.

نگاهی دقیق به سیره رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشان می‌دهد که از نخستین روز بعثت، نگاه خود را به روزی دوخته بود که در آن، سیادت از آن اسلام باشد؛ برخلاف آنچه برخی گمان می‌کنند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عجمت را به قصد برپایی قدرت و دولت آغاز نکرده بود و سیر حوادث به طور تصادفی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به یاری و تشکیل دولت در مدینه رساند. حقیقت این است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از همان آغاز بعثت در مسیر دعوت، برای تغییر افکار عمومی در جامعه مکه تلاش می‌کرد تا این جامعه از هویت جاهلی‌اش جدا شود و به هویت اسلامی روی آورد، و در نتیجه برای جامعه سرزمینی و جامعه‌ای اسلامی پدید آید و هنگامی که جامعه مکه در برابر دعوت سُدّ شد، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جست‌وجوی جوامع دیگر پرداخت تا آنکه الله سبحانه‌وتعالی سینه گرهویی از اهل مدینه را برای «ایمان گشود» سپس دعوت در مدینه گسترش یافت تا نخستین «امان‌المسلم» شکل گرفت و نخستین جامعه اسلامی برپا شد، و این جامعه پس از آن مأموریت یافت تا چهره جهان را دگرگون کند. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیش از آنکه رئیس دولت شود، رفتار یک مرد دولت را داشت، پس از او نیز خلفا چنین بودند؛ چه از خلفی راشدین و چه کسانی که پس از آن آمدند. با آنکه با پیدایش «حکومت موروثی» انحرافی رخ داد، اما آگاهی سیاسی از حکومت و محیط سیاسی امت اسلامی رخت برپست، چه در دوران امویان و چه عباسیان در دوره‌های نخستین، و چه در دوران سلطنت قدیمت عثمانی، اما هیچ‌گاه حضور داشتن، تاریخ حلقی است که بسیاری از آنان دارای نبوغ سیاسی، توان مانور گواه آن است که بسیاری از آنان دارای نبوغ سیاسی، توان مانور

بازداشت‌های جدید جوانان حزب‌التحریر به دست حوثی‌ها

نیروهای امنیتی وابسته به حوثی‌ها روز پنج‌شنبه مصداق ۲۰۲۵/۱۱/۲۷ اقدام به بازداشت جوان ۲۸ ساله، «صدام علی قائد المکرکی»، از شهرستان مری الوادع در استان تعز کردند. بازداشت مصدام المکرکی دومین مورد پس از بازداشت دو برادر به نام‌های «اسامه» و «محمد سعید الوراغی» در استان اب در روز ۲۰۲۵/۱۱/۲۱ است که در پی توزیع بیانیه‌ای با عنوان: «ترامپ پیروان خود از میان حکام سرزمین‌های اسلامی را به‌سوی معامله‌های ننگین و شرم‌آور رهبری می‌کند و آن‌ها را قراردادن غزه هاشم تحت قیومیت و استعمار در پی او سرنگ می‌کند» صورت گرفت؛ بیانیه‌ای که پرده از همدستی سازمان ملل در صدور قطعنامه ۲۰۲۵/۱۱/۱۷ در تاریخ ۲۰۲۵/۱۱/۱۷ برمی‌آورد...

با وجود اینکه این بیانیه به دیدار ترامپ با رهبران عربستان سعودی، امارات، قطر، مصر، اردن، ترکیه، اندونزی و پاکستان در حاشیه نشست‌های مجمع‌عمومی سازمان ملل در ۲۰۲۵/۰۹/۲۳ اشاره کرده بود و هیچ‌نامی از حوثی‌ها، چه دور و چه نزدیک، نبرده بود، اما «آن کس که ریگی به کفش دارد، خود را لو می‌دهد»؛ پس چگونه کسانی که می‌گویند از غزه حمایت می‌کنند و برای آزادسازی سازمان‌القاصی از چنگال رژیم یهود تلاش می‌کنند، راضی می‌شوند که غزه تحت قیومیت و استعمار قرار گیرد و نیروهای نظامی که با دستور قدرتهای استعماری هدایت می‌شوند یا به خاک آن بگذارند، حتی اگر برخی از آن‌ها به زبان قرآن سخن بگویند؟! و تعرض کسانی می‌شوند که پرده از حقایق برای امت اسلامی کنار می‌زنند و آنچه را در دانه‌های استعمار آمریکایی و سیاست حقوق بین‌الملل – که از زمان پیدایش در اجلاس وستفالی در سال ۱۶۴۸ تا امروز دشمن اسلام و مسلمین بوده – پنهان مانده؛ آشکار می‌سازند؟

سوالات اینجاست که جرمی که جوانان حزب مرتکب شده‌اند چیست که باید تحت تعقیب قرار گیرد و زندانی شوند؟! آیا به‌خاطر افشای طرح ترامپ و ذکر خیانت حکام سرزمین‌های اسلامی است؟!

ادامه: راز رضایت ترامپ از دولت جدید در سوریه چیست؟!

بنابراین، دوستی با کافران و تکیه بر آنان و تلاش برای راضی‌کردنشان، کسانی که ستم کرده‌اند تکیه نکند که آتش به شما می‌رسد و برای شما در برابر الله سبحانه‌وتعالی هیچ دوستی نیست، سپس یاری نمی‌شود؛ و همچنین می‌فرماید: «لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مَثَلَهُمْ قُلْ إِنْ هِيَ إِلَّا اللَّهُ وَهُوَ الْغَنِيُّ وَإِنَّ تَتَّبِعْتُمْ أَهْوَاءَهُمْ يَعِدُ اللَّهُ بِالْحَذْقِ الَّذِي قَالُوا يَأْتِيهِمْ مِنَ اللَّهِ مَنْ يُولَىٰ وَلَا تَصْبِرُ» هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا آنکه از آیین آنان پیروی کنی؛ بگو همانا هدایت الله سبحانه‌وتعالی همان هدایت است و اگر پس از علمی که به تو رسیده، از خواستهای آنان پیروی کنی، در برابر الله سبحانه‌وتعالی هیچ دوست و یابوری نخواهی داشت».

ادامه: وحدت امت و دولت؛ یک مسئله سرنوشت‌ساز

چه‌کجاست؟ روزمرداران و شب‌تهداران و امرکنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از مکرر کجاست؟! افسران مخلص نیروهای مسلح که با الله سبحانه‌وتعالی عهد بستند از دین و سرزمین و ناموس و حفاظت‌کنندگان کسلی که وارثان پیامبرانند کجاست؟! کجاست مردم بزرگوار سواد، مردان و زنان، پیران و جوانان، نوادگان کسانی که در برابر انگلیسی‌ها ایستادند و آن‌ها را به سخت‌ترین شکنجه شکست دادند و فرماندهان سرلشکر چارلز جورج گوردون، را در ۲۹ ژانویه ۱۸۸۵ کشتند؛ افسری که پسر یک افسر در ارتش بریتانیا، دولت شماره یک آن زمان بود؛ چرا

که پدرش سرلشکری در ارتش بریتانیا بود و تحصیلاتش را در مدرسه فولاندز در تاتونو سارمست و در آکادمی سلطنتی نظامی گذرانده بود. کشته شدن او حادثه‌ای عظیم در تاریخ انگلستان بزرگ آن دوران بود... جایی‌که این مردان، خارطوم را از استعمارگر انگلیسی آزاد کردند، شوکتش را شکستند و پایانی بر تازایی رقم زدند که مردم را برای گسترش مستعمرات انگلیس به قتل رسانده بود و این همان چیزی است که بریتانیایی‌ها را به درد آورد. آن‌ها را و با فکر باقی‌شده دوباره سودان انداخت. امروز روز فرمت باقی است تا طرح دشمن آمریکایی ختنی شود و این مکر (توطئه) شکست بخورد. این مکر متوقف نخواهد شد مگر با اعتماد مردم سودان به الله سبحانه‌وتعالی و طلب‌یاری از او. این امر با ایمان مردم و درک آن‌ها از واجب بودن وحدت امت و وحدت دولت و حرام بودن تفرقه در امت و کتک‌شدن کشور محقق می‌شود؛ چرا که این یک مسئله سرنوشت‌ساز است که در راه آن جان‌ها و خون‌ها فدا می‌شوند.

درمان ریشه‌ای، برپایی دولت اسلام، دولت عقیده و شریعت، دولت خلقت راشده بر منبج نبوت است؛ چرا که تنها آن است که هم از حفظ نظام، از وحدت دفاع می‌نماید و شریعت پروردگارش را برپا می‌دارد؛ پس آن از واجب‌ترین واجبات امروز است تا بدین وسیله سخن رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را محقق سازیم که مسلم از عرفه روایت کرده است: «هر کس نزد

حزب‌التحریر / ولایت سودان: پوشی خود را برای شکست‌دان جنایت جدایی دارفور ادامه می‌دهد

هیبتی از حزب‌التحریر، ولایت سودان روز دوشنبه ۲۰۲۵/۱۲/۱ در ریاست استاد «عمر رضا»، رئیس کمیته ارتباطات مرکزی حزب‌التحریر در ولایت سودان و با همراهی استاد «عبدالله اسماعیل»، عضو کمیته ارتباطات مرکزی حزب‌التحریر در ولایت سودان، با دکتر «عمادالدین محمد حمدالله»، رئیس کانون وکلای ایالت دریا سرخ، در دفترش در شهر پورتسودان دیدار کرد.

پس از معارفه، رئیس هیئت به معرفی حزب‌التحریر و هدفی که برای آن تلاش می‌کند پرداخت؛ یعنی از سرگیری زندگی اسلامی با برپایی خلافت راشده بر منبج نبوت، به‌منوعان یک مسئله سرنوشت‌ساز که کار برای آن بر هر مسلمانی واجب است... رئیس کانون وکلای گفت: «ما از هر کس که برای اسلام کار کند حمایت می‌کنیم» و درخواست برخی از نشریات حزب را کرد. هیئت به او وعده داد و سپس نشریات مربوط به پوشش حزب‌التحریر / ولایت سودان برای ختنی‌سازی طرح آمریکا جهت جدایی دارفور را به او تقدیم کرد. هیئت همچنین از رئیس کانون وکلای بابت استقبال گرم تشکر نمود.

همچنین هیبتی در شهر «دود مدنی»، روز سه‌شنبه دوم دسامبر ۲۰۲۵، در ریاست مهندس «مهدی مهاجر»، عضو حزب‌التحریر و با همراهی استاد «عمر ابراهیم»، عضو حزب‌التحریر و مهندس «ولید کامل»، با استاد «عماد اسماعیل محمد احمد»، دبیرکل کانون وکلای ایالت جزیره در دفترش دیدار کرد. در این دیدار بحث پیرامون پوشش حزب برای ختنی‌سازی طرح آمریکا برای جادکردن دارفور صورت گرفت. پس از توضیحات رئیس هیئت، دبیرکل از حزب و تلاش‌های عظیمی که در راه برپایی خلافت انجام می‌دهد تمجید کرد و گفت که با طرح حزب‌التحریر موافق است و آن‌ها در تجدیدیه ارتباطات حزب استقبال می‌کنند و درحیاشان به روی آن باز است.

در پایان، هیئت از او بابت حسن میزبانی و استقبال تشکر کرد و قرار شد دیدارهای آینده نیز برگزار شود.

بیت جن، شکنندگی رژیم یهود و سستی مدیریت جدید سوریه را نشان کرد

سرخ‌رگه روز جمعه ۲۰۲۵/۱۱/۲۸، تیرویی وابسته به رژیم یهود به داخل شهرک «بیت جن» در حومه دمشق نفوذ کرد تا تعدادی از جوانان را بازداشت کند، اما برخی از مجاهدین در روستا با آن‌ها مقابله کردند و پس از آنکه تعدادی از عناصر دشمن را کشته و زخمی کردند، آن‌ها را مجبور به عقب‌نشینی نمودند.

تعلیق رژیم یهود در سوریه از حدود یک سال پیش، درست پس از سقوط جاپت‌کار بشار، متوقف نشده است؛ نیروهایش با زندگی تا منتقله‌ای جانل را با شروع از بلندت‌های جوانان اشغالی ایجاد کنند و قله «جبل الشیخ» و تعدادی از روستاها و شهرک‌ها در قنيطرة در حومه دمشق را اشغال کردند.

اما یورش به شهرک بیت جن آن‌طور که می‌خواست پیش نرفت؛ چرا که نیروهایش با مقاومت سرسختانه روبرو شدند و به مدت چهار ساعت به محاصره درآوردند که او را مجبور کرد برای خارج‌کردن نیروهایش از تیرویی هوایی استفاده کند. سرانجام درحالی‌که ده‌های شکست و نامیدی را به دنبال می‌کشیدند، با حدود بیست زخمی و اجباری مبنی بر دو شکسته خارج شدند و خودروها و مهمات خود را پشت سر رها کردند؛ به‌ویژه پس از سرانزیرشدن جنگجویان از روستاهای مجاور که مشتاق روبرویی با او بودند.

توده‌های مردمی پس از نماز جمعه در شهرهای مختلف سوریه، از دمشق تا حلب و حصن و حماه و لاذقیه به خیابان‌ها آمدند و خواستار مقابله با یهود شدند و پرچم‌های توحید را برافراشتند و شعارهای اسلامی سر دادند تا تأکید کنند که نفس انقلابی همچنان شعله‌ور است و امت آماده ادامه انقلاب اسلامی برای برپایی حکم اسلام و اجرای شریعت و حرکت با لشکرهای مجاهدین برای عقب راندن نیروهای دشمن تا آزادسازی فلسطین است.

اما مدیریت جدید سوریه به سطح گفتمان خیابان نرسید؛ چرا که بیانیه‌های سست از وزارت خارج‌اش صادر شد و سپس اظهارات نماینده‌اش در سازمان ملل، «ابراهیم علی»، آمد تا میزان خوار این دولت را آشکار کند؛ آنجا که گفت: «پاسخ نظامی مستقیم به یهود در حال حاضر گزینه‌ای نیست تا دستاوردها در روابط بین‌الملل حفظ شود» و اینکه سوریه همچنان به توافق‌نامه تک‌بخاسه سال ۱۹۷۴ و قطعنامه‌های شورای امنیت پایبند است و ادعا کرد که این کار رژیم یهود را بیشتر از پاسخ نظامی آزار می‌دهد. همان‌تعامی با رژیم غاصب جز با رویارویی نظامی با آن ممکن نیست و این خواسته امت در شام و در سراسر جهان است. اما متأسفانه آمیدی به این مدیریت فعلی سوریه نیست، چرا که طی یک سال کامل فقدان اراده و گرو بودن تصمیم‌ش به دستورات خارجی و آمریکایی را اثبات کرده است. بنابراین، امروز بر مجاهدین صادق و انقلابیون در سوریه واجب است که سخن خود را بگویند و آن‌ها به اذن الله سبحانه‌وتعالی قادرند رژیم یهود را عقب برانند و شکوه اسلام و پیروزی‌های حقیق را دوباره بازگردانند.

حاکمان پاکستان در تدارک اعزام ارتش خود برای حفاظت از رژیم یهود در برابر امت اسلامی

استاد مصعب عمیر - ولایت پاکستان

حاکمان پاکستان در حال آماده‌سازی برای اعزام ارتش خود به‌سوی حفاظت از رژیم یهود در برابر امت اسلامی‌اند. در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۵، پاکستان بعمنوان عضو غیردائم شورای امنیت سازمان ملل، به قطعنامه‌های ۲۸۰۳ و ۲۸۰۴ رای داد؛ قطعنامه‌های که موضوع اجرائی طرح ترامپ درباره غزه، است و مرصبا اعلام می‌کند: «و نیز از اعلامیه تاریخی ترامپ درباره صلح پایدار و تحقق رفاه، به تاریخ ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵، استقبال می‌کند». این قطعنامه در حقیقت با هدف تضمین همکاری سربرازان مسلمان با رژیم یهود صادر شده تا هیچ مسلمانی نتواند علیه اشغالگران بچنگد. بر اساس این قطعنامه، نیروهای پاکستانی موظف هستند با نیروهای یهود، همان ارتشی که یهودان بکنامه ما در سالخی کرد و زنان یلکدامن ما را مورد تعرض قرار داد، همکاری نتکنگند داشته باشند. در بند هفتم تصریح شده است: «نیروی بین‌المللی یهودی برای تثبیت اوضاع در غزه تشکیل شود که تحت فرماندهی واحدی باشد که شورای صلح آن را می‌پذیرد، و از نیروهای مشارکت‌کننده تشکیل گردد، در هماهنگی و همکاری نزدیک با حکومت عربی مصر و اسرائیل».

همچنین طبق این قطعنامه، نیروهای پاکستانی باید سلاح مجاهدان مسلمان در غزه را ضبط کنند تا از نیروهای بزدل یهود محافظت شود. هدف دیگر این نیروی موسوم به «نیات»، چنین تعریف شده است: «تضمین روند صلح سلاح نوار غزه، از جمله نابودی و گولبری از بازسازی هرگونه زیرساخت نظامی، تروریستی یا تهاجمی در این منطقه، و خارج کردن دائمی سلاح‌های گروه‌های مسلح غیردولتی».

به این ترتیب، پس از دو سال که ارتش پاکستان از نابودی رژیم یهود بازدارنده شده - با وجود مطالبه مردم و خواست سران سربازان - حاکم پاکستان اکنون نیروهای خود را برای سلب سلاح از مقامات در غزه، و آن هم در هماهنگی کامل با رژیم یهود و حاکم جنوری مصر، اعزام می‌کند!

ای مسلمانان پاکستان! به نظر الله سبحانه و تعالی، ما توانستیم در سال ۲۰۰۴ حاکم پیشین پاکستان، پرویز مشرف، را از اعزام ارتش به یهود بازدارنده شدیم - با وجود مطالبه مردم و خواست سربازان - ما صدای خود را - به هیچ حوفی جز از الله سبحانه و تعالی - بالا بردیم، با وجود تهدیدها، سرکوب‌ها، بازداشت‌ها و فضای ترس و رعبی که مشرف ایجاد کرد. ما قاطعانه می‌توانستیم رژیم سربازان در کنار ملیبهای آمریکایی بایستیم و اسلحه خود را به‌سوی سینه‌های مسلمانان در عراق نشانه بگیریم. اکنون نیز واجب است که اتحاد نیروهای ما با یهود را در غزه، متحدی که نتایج‌اش نشانه رفتن اسلحه امت اسلامی علیه مسلمانان غزه است، باید حاکم کنونی پاکستان و عامس متبیر، را از اعزام نیروهای حرکت کنید.

صندوق‌های رأی در نظام فاسد؛ بزرگ‌ترین فرب برای تغییر

بیانیه مطبوعاتی صادر شده از سوی دفتر رسانه‌های حزب التحریر در ولایت عراق تأکید کرد که: از زمان اشغال این کشور توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ تاکنون، عراق در مشکلات غرق شده و وضعیتش از بد به بدتر گراییده است. تمام این‌ها نتیجه نقشه سیاسی است که اشغالگر آمریکایی آن را طراحی و محمیل کرد؛ او قواعد اساسی نظام را وضع نمود و نقشه سیاسی کشور را ترسیم کرد و مردم عراق را از فریب ناشی از این نظام، صندوق‌های رأی، پاریار این‌ها برای تعجب نیست که «سارک سابقا»، فرستاده آمریکا به عراق، موفقیت انتخابات پارلمانی را به عراقی‌ها تبریک می‌گوید و تأکید می‌کند که «ملت عراق مجدداً پایبندی خود را به آزادی، حاکمیت قانون و نهادهای قدرتمند دولتی اثبات کرد»؛ و بدین‌گونه عراقی‌ها در دام فریب و دامه تغییر برمی‌خورند و دوباره آن از گزیده می‌شوند و اصل بلایی که مسبب تمام این مشکلات است توجه کنند؛ از این رو وضعیت بدتر شد و مردم عراق در کشتی سرگردانی باقی ماندند که امواج حیرت و نگرانی آن را به این سو و آن سو می‌کوبد.

این بیانیه همچنین تأکید کرد که پس از گذشت بیش از ۲۲ سال و پایان رای‌گیری برای ششمین دوره انتخابات در روز ششمینبه‌صداقت با ۲۰۲۵/۱/۱۱، ما همچنان شاهدیم که اکثریت مردم عراق بارها و بارها از همان سوراخ گزیده می‌شوند و با وجود نامادیمی‌شان از تمام احزاب و فرانسویون‌های سیاسی که کشور را غارت کردند و بانگن را خوار نمودند، اما هیچ‌بسیوی همان سوراخ می‌روند و دوباره آن از گزیده می‌شوند و بارها فراموشی، قومی و قبیله‌ای می‌شود که در دنیای آن‌ها کشیده می‌شوند تا پس از آن بازگردند و ساعتی را که پای صندوق‌های رأی رفتند تفرین کنند!

بیانیه در پایان تأکید کرد که: در مان مؤثر و راحل شرعی، تلاش جدی برای ریشمکن کردن این نظام فاسد و برپایی شریعت الهی سبحانه و تعالی در دولت خلافت بر مبنی نبوت است. پس حزب التحریر بر شما را به‌سوی این غیر فربانی‌خواند تا طوق ذلت را از گرن‌هایتان برارید و دوباره به بهترین‌ها امت تبدیل شوید، چنان‌که پیشینیان صالح شما بودند.

جو و فضای سیاسی و رهایی آن از وابستگی به غرب

کمیته فراتر از حاکمیت حزب‌الله، بیان می‌کند که امت اسلامی امروز از چابگانه‌ی که در زمان زندگی در کبان سیاسی خود - که «گل استعمارگر فرانسوی» است، در روز یکشنبه ۲۰۲۵/۱/۱۱ در سالن اجلاس‌های حزب در تقاطع «سکره آریانه» در پایتخت برگزار کرد.

مهندس «یاسر اللهور» به قلب نهضت صحیح پرداخته که باید برآمده از یک زاویه دید صحیح باشد؛ یعنی از یک اساس عقیدتی صحیح که عقل را قانع و تار مطن سازد و برپایه نهضت صحیح تنها با پیشرفت مدنی و تکنولوژیکی سنجیده می‌شود، بلکه با ارزش‌های والا و ارتقای انسان از بیست‌تیرین درجات حیوانی سنجیده می‌شود و اینکه مسلمانان با عقیده‌ای روحی - سیاسی که نظام زندگی انسان، حکومت و دولت از آن نشأت می‌گیرد، به دل خاستند و واقعی‌ترین تمدن در تاریخ بشریت را بنا نهادند... او همچنین تأکید کرد که درگیری بین دولت‌ها، همکاری با ارتزهاست و این خطرناک‌ترین نوع درگیری است و تمدن تمدن بر اصل جدایی دین از زندگی استوار شده است که آن را به تمدن پول و انحطاط اخلاقی تبدیل کرده، نه تمدن انسانی و این همان چیزی است که جو و فضای سیاسی امروز تحت عنوان دموکراسی آن را می‌پذیرد.

سپس استاد «عبدالرؤف العامری» بیان کرد که امت اسلامی امروز از چابگانه‌ی که در زمان زندگی در کبان سیاسی خود - که «گل دنیا» بود - داشت، سقوط کرده است؛ زمانی که در آن بشریت را به‌سوی امنیت و ثبات رهبری می‌کرد و اینکه فرزندان امت تلاش کردند دوباره به خیزند اما به دلیل هیمنه فکری، اقتصادی و سیاسی غرب بر سرزمین‌های اسلامی در این کار موفق نشدند، زیرا خیزش صحیح با پذیرش فرهنگ اسلامی و احکام و راه‌های برآمده از آن صورت می‌گیرد... او اشاره کرد که غرب با کارت جنبه‌های «اسلمی»، بازی کرد و آن‌ها را به حکومت رساند و پس از شکستشان، ایده شکست اسلام سیاسی را ترویج کرد و مدعی شد که آن پروژه‌ای شکست‌خورده است، با وجود اینکه این جنبش‌ها فکر سکولار را پذیرفته بودند.

در پایان این مجمع، استاد عبدالرؤف العامری، بیان کرد که فوایه تغییر اساسی نباید به این واقعیت فاسد تکیه کند، بلکه باید از این‌دولتاری خود که آن را پذیرفته حرکت کند و آن را در موضع اجرا قرار دهد؛ یعنی احکام و راه‌هایی که با قوت دلیل از کتاب‌الله سبحانه و تعالی و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استنباط شده‌اند و این امر محقق خواهد شد مگر با بیعت امت با یک ظلیفه راشد که شرایط شرعی حکومت در او فراهم باشد تا احکام اسلام را اجرا کند و آن را بعمنوان پیام هدایت برای جهان‌انحل نماید.

هفده میلیون گرسنه در یمن؛ گرفتار میان دوزخ حاکمان و فساد سازمان‌ها

استاد صادق الصراری - ولایت یمن

سازمان ملل اعلام کرده است که هفده میلیون نفر و مناطق دیگر تحت کنترل حوثی‌ها شاهد افزایش در یمن همچنان با گرسنگی شدید دست‌وپنجه نرم چشم‌گیر سرفته‌ها بوده‌اند؛ نیروهای امنیتی تحت می‌کنند و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد این رقم ممکن کنترل این گروه ثبت ۱۰۵۰ مورد سرفرت را تنها است به یک میلیون نفر دیگر افزایش یابد (الجزیره) طی سه ماه تأیید کرده‌اند (الشرق الاوسط، ۱ نوامبر ۲۰۲۴). استان لاج نیز با افزایش سرفرت‌ها و تشدید متناصب با حجم عظیم ثروت‌های طبیعی این کشور - ۱۱ مارس ۲۰۲۵). شبکهٔ یمنی حقوق و آزادی‌ها از نفت و گاز و معدن گرفته تا بنادر دریایی و ذخایر ثبت ۱۲۳ مورد قتل و ۴۶ مورد جرح در ۱۴ استان، بزرگ آذربیان - نبوده است. برای اکثریت مردم، «تلاش طی نیمه نخست ۲۰۲۵ خبر داده و تأکید کرده است برای لقمه‌ای نان» شعار زندگی روزمره بود، تا آنکه فساد و غم‌تشری سلاح و خواست شرایط اقتصادی و روانی، در مارس ۲۰۱۵ جنگی یمن‌معنا میان آمریکا و بریتانیا، عامل اصلی گسترش این بحران بوده است (العریبه، از طریق نیروهای نیابتی‌شان در داخل یمن، شملهور ۸ اکتبر ۲۰۲۵).

شد و اوضاع را به‌مراتب بدتر کرد. کسانی که بیرون با وجود فقیاج، فلکت، گرسنگی، بیکاری و ضعف شدید از ساختار دولتی کار می‌کردند، بیکار شدند و آنان خدمات و رسیدن کشور ما به بدترین بحران‌های که در دولت مانده بودند نیز بدون حقوق کار کردند. بهداشتی و معیشتی در جهان، هیچ‌یک از متخاصمان طبقهٔ متوسط در طبقهٔ پایین دست ادغام شد و دو سوم حتی پلک نزدند و نه رحمت و نه شفقتی در دلشان جمعیت عملاً زیر خط فقر قرار گرفتند. این واقعیت از راه یافت. در مناطق تحت عنوان «شرایع»، دولت با همان ادعای کار گزارش‌های سازمان ملل آشکار بود؛ بهانهٔ افزایش درآمدهای عمومی، قیمت دلار گمرکی چنان‌که ارزیابی مشترک سازمان‌های وابسته به ملل را آزاد کرد. چنان‌که «شورای ریاستی یمن» برنامهٔ متحد - فانو، یونسف و برنامهٔ جهانی غذا - نشان داد ۱۷ میلیون یمنی در تأمین غذای خود با مشکل جدی مواجه‌اند (۱۰ فوریه ۲۰۱۷).

شتاب سازمان ملل در برجسته‌کردن رنج مردم یمن، هر چند وقت یکبار، نه از سر دغذغهٔ انسانی، بلکه برای جذب هرچه بیشتر بودجهٔ کشورهای اهداکننده است. درحالی‌که به گفتهٔ گزارش‌های تحقیقی، مجموع بودجه‌ای که طی نشست‌های مختلف «اجلاس‌های تعهد کمک» از آغاز جنگ تا پایان ۲۰۲۳ در دریافت کرده‌اند، به حدود ۱۹ میلیارد دلار رسیده است؛ افزون بر این، ۹ میلیارد دلار خارج از تعهدات رسمی و ۲۱ میلیارد دلار کمک و تأمین مالی اضطراری خارج از برنامه‌های پاسخ انسانی نیز دریافت شده است (جلول بوست، ۱۰ مارس ۲۰۲۴).

با وجود این حجم عظیم از بودجه - که برابر با بودجهٔ یک کشور طی یک سال است - نرخ فقر و گرسنگی همچنان، طبق گزارش‌های خود سازمان ملل، در نوسان است. در وب‌سایت رسمی سازمان ملل آمده است: «با وجود ارائه کمک‌ها، ۱۶ میلیون یمنی با مشکل جدی تغذیه مواجه‌اند و هر روز برای یافتن غذای لازم برای خانواده‌هایشان تلاش می‌کنند» (۱۳ فوریه ۲۰۱۹). این عدد هر سال کمی افزایش یا کاهش یافته است؛ «۱۸ میلیون یمنی ممکن است با کاهش کمک‌های برنامهٔ جهانی غذا، غذای کافی پیدا نکنند» (الجزیره، ۱۹ نوامبر ۲۰۲۵).

۲۵ ژوئن ۲۰۲۲). وضعیت «نه جنگ و نه صلح» که از آوریل ۲۰۲۲ آغاز شده، رنج مردم یمن را حتی بیش از دوران جنگ افزایش داده است؛ زیرا سهم ناچیز مردم از کمک‌های سازمان‌ها به‌تدریج قطع شد، درحالی‌که بودجه‌ها همچنان در گزارش‌ها و خبرها مطرح می‌شود. جامعهٔ انسانی امروز یمن در مناطق تحت کنترل حوثی‌ها و مناطق زیر نظر دولت رسمی، کم‌وبیش یکسان است؛ درحالی‌که گرسنگی و فقر و بیکاری رویه‌روست، نه حقوقی که گرسنگی را کم کند، نه آموزشی که زندگی فلانکتابار تحمیل شده، تا تغییر حاکمان وابسته نسل‌ها را بسازند، نه درمان، نه برق، نه خدمات، نه حتی اعتراضی برای حفظ کرامت مردم. در مقابل، مسولان دست‌انگاشته و نهادهای ادامه خواهد یافت؛ تنها با مرتزد و نه رنج گرسنگان آرامشان را خدشه‌دار می‌کند. زنده‌ی شرافتمندانه در طاعت الله سبحانه و تعالی دست به‌نظر می‌رسد و خامت معیشت مردم به فروپاشی اجتماعی انجامیده است؛ چنان‌که میزان جرائم با سرعتی هفتی، تلاشگران باید به عمل برخیزند.

مردم قریزستان عدم اعتماد خود به دموکراسی را تأیید می‌کنند

بر اساس برآوردهای اولیه، یک میلیون و ۵۵۶ هزار نفر در انتخابات نمایندگانی شورای عالی قریزستان که در ۳۰ نوامبر برگزار شد، شرکت کردند. این رقم تنها ۳۶٪ از مجموع رای‌دهندگان را تشکیل می‌دهد که تعدادشان به ۴ میلیون نفر می‌رسد.

تعلیق: تلاش‌های رژیم برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات پارلمانی جدید به ثمر ننشست، چرا که به رای‌دهندگان اجازه داده شد در هر مرکز رای‌گیری که می‌خواهند رای خود را به صندوق بیندازند؛ همچنین مسولان پیش از روز رای‌گیری، فراخوان‌های خود را برای دعوت مردم به رای‌دادن تشدید کردند. با این وجود، ملت قریزستان با تحریم انتخابات ثابت کرد که اعتماد خود را به اکثر نمایندگان حاکمیت و گروه مخالف به یک اندازه از دست داده است.

دلیل این امر آن است که دولت‌هایی که از زمان (استقلال) قریزستان یکی پس از دیگری بر سر کار آمدند، همگی بدون استثنا، در جهت تضعیف دولت و فقیر کردن مردم عمل کردند و حکامی که از طریق انتخابات آمدند، تفاوتی با کسانی که با کودتا آمدند، نداشتند. این علاوه بر گسترش فساد و ظلم و همچنین انحطاط اخلاقی است و شکی نیست که دلیل اصلی آن، نظام دموکراتیک است که با آن حکومت می‌کنند، چرا که قوانین آن تنها خدمتگزار منافع گروه اندکی از مردم است.

هواداران نظام دموکراتیک می‌گویند که صدای اکثریت قدرت تعیین‌کننده است، اما انتخاباتی که در قریزستان برگزار شد ثابت کرد که این سخن تنها شعاری توخالی است؛ زیرا اگر سخنان درست بود، باید نتایج انتخاباتی که ۶۰ تا ۷۰ درصد رای‌دهندگان آن را تحریم کردند، باطل اعلام می‌شد.